

# خواب و کافیه



نویسنده: کارون مطلبی

|                     |   |                                                |
|---------------------|---|------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : | مطلبی، کارون، ۱۳۵۲ -                           |
| عنوان و نام پدیدآور | : | و خدا کافیت... نویسنده کارون مطلبی.            |
| مشخصات نشر          | : | تهران: الهه مهر، ۱۳۹۹.                         |
| مشخصات ظاهری        | : | ۱۲۸ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.                          |
| شابک                | : | ۲۰۰۰۰۰ ریال ۶-983327-600-978                   |
| وضعیت فهرست نویسی   | : | فیپا                                           |
| یادداشت             | : | کتابنامه.                                      |
| موضوع               | : | راه و رسم زندگی (اسلام)                        |
| موضوع               | : | Conduct of life -- *Religious aspects -- Islam |
| موضوع               | : | آرامش ذهنی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام          |
| موضوع               | : | Religious aspects -- Islam -- Peace of mind    |
| موضوع               | : | موفقیت -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام              |
| موضوع               | : | Success -- Religious aspects -- Islam          |
| رده‌بندی کتاب       | : | BP ۲۵۸                                         |
| رده‌بندی دیویدی     | : | ۲۹۷/۶۳                                         |
| شماره کتابشناسی     | : | ۶۱۴                                            |

کتابخانه کافیت...

**نویسنده :** کارون مطلبی

**صفحه آرا :** زهرا سعادت‌ی

**ناشر :** الهه مهر / تهران

**شمارگان :** ۱۰۰۰

**شابک :** ۶-۷-۹۸۳۳۲-۶۰۰-۹۷۸

**قیمت :** ۲۰۰۰۰ تومان

**چاپ و صحافی :** جوان

**نوبت چاپ :** اول بهار ۱۳۹۹

تماس با نویسنده: ۰۹۲۲۴۳۷۹۵۲۵





## فهرست

- سخنر با شما! ..... ۷
- شاد باش را آسوده خدا کافیت است...! ..... ۱۱
- به خدایت ایمان بیاور که «او» به تو ایمان کامل دارد...! ..... ۱۸
- فقط به خدایت امید داشته باش و از او بترس و به او توکل کن...! ..... ۲۸
- خودت را با او هماهنگ کن...! ..... ۴۱
- او بزرگ و مقتدر است، کویت می‌دارش...! ..... ۵۷
- با خدا باش و یادش کن که با تو یکتا و یادش کند...! ..... ۶۲
- خداوند صبور است، در اطاعتش و با او بودن صبور باش...! ..... ۶۹
- او بسیار دوستت می‌دارد، دوستش بدار، او عاشق محبت عاشقش باش...! ..... ۷۴
- با اطمینان با خدایت معامله کن...! ..... ۸۲
- بگذار خدا جای تو اندیشه کند...! ..... ۸۵
- این قانون را بدان و بخوان که در زندگی فقط خدا مهم است و طبیعت و مابقی
- امتحان است و نشانه...! ..... ۹۲
- گوش به ندای قلبت باش و خدا را در سکوت درونت جستجو کن...! ..... ۱۱۰
- همیشه شاکر و سپاسگزار خدایت باش...! ..... ۱۲۳



### سخنی با شما

حدود ده سال پیش بود که بیش از نصف مطالب این کتاب رو نوشتم. با توجه به آن تحوّل بزرگ زبانی ام نوشتن کتاب‌های متعدّد، خواستم این کتاب را به همان شکل تکمیل و چاپ کنم اما هر کاری می‌کردم نمی‌شد! انگار شایستگی و آمادگی درونی این کار را نداشتم! همیشه بر این باورم هر کتابی که می‌نگارم بر بار مسئولیتم افزوده می‌گردد. بارها افتاب می‌گویم نویسنده‌گی فقط چیدن کلمات و واژگان کنار هم نیست که این کار را همه می‌توانند انجام دهند، بلکه نویسنده‌گی باور و زیستن با کلمات، واژگان و مفاهیم نقش بسته شده بر پهنای کاغذ است! نویسنده‌گی دفاع از واژگان و مفاهیم نگاشته شده بر دیرش مسئولیت‌های بزرگ است. نویسنده باید به وسعت همه انسانها، جن‌ها و قلب‌هایشان، ببیند و بشنود و بیاندیشد و فراز و نشیب‌های فراوانی را آنهم با درکی عمیق تجربه کند.

ده سال طول کشید تا به لطف خدا این آمادگی و شایستگی بزرگ برای



تکمیل، چاپ و نشر این کتاب بزرگ در بنده شکل بگیرد تا این ادعای بزرگ و تاکید کلام خداوند را با باور عمیق قلبی فریاد بزنم که «خدا کافیت»...!!!

خدایا!! ای مهرورزترین مهرورزان!

ای عاشقانه‌ترین عاشقانه‌ها!

ای معنای زندگی و سرچشمی حیات!

خدای من! این عشق ابدی و ازلیم!... کارون هستم همان بنده‌ای که وقتی همگان آنسوی راه را به رویش بستند و طردش کردند آغوش سرشار از عشق و مهربانی خود را به رویش نشودی و دروازه‌های معرفت و آگاهی‌ات را به روی قلبش باز نمودی تا با هوش و زندگی و زنده ماندن دگرگون گردد...!!!

خدایا!! ای همه قلب و روحم! و من آنها تمامی ناپاکی‌ها و ناراستی‌هایم را دیدی اما دم نزدی و فقط صبوری بردی و صبوری! آنگاه که از همه جا و همه کس رانده شدم و سرگشتگی، حیرانی و غم و غم فراوان بر وجود خسته‌ام سایه افکنده بود، عاشقانه پناهم دادی. در آغوشم نشیدی و با آیه‌های کتابت بر کویر قلب تشنه‌ام شروع به باریدن نمودی و از حلق هستی برایم گفستی. از مهربانی و مهرورزی برایم سرودی، از واقعیات و حقایق زندگی گفستی که آنچه پایدار است و باید به دنبال آن بود و هدف خویش قرار داد، حقیقت است. حقیقت هم نه در این جهان بیرون بلکه در درون ماست و هر آنچه از خوشبختی، موفقیت و شادمانی می‌جوییم باید در درون خود و از خود و از تویی که در درون ما سکنی داری بجوییم!